

بسم الله الرحمن الرحيم

جواب به سوال

عراق و سرنوشت گروه‌های وفادار به ایران

(ترجمه)

سوال:

روزنامه «الشرق الأوسط» در وبسایت خود به تاریخ ۴ اگست ۲۰۲۶ م نوشت: «حکومت عراق خود را در برابر معادله‌ای بسیار حساس می‌بیند و در میان درخواست‌های واشنگتن برای خلع سلاح گروه‌های مسلح و نفوذ ریشه‌دار ایران در نهادهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی عراق، با نوعی فلج سیاسی و امنیتی روبه‌رو است... هیئت حشد شعبی نیز در ۲۹ جولای ۲۰۲۶ م اعلام کرده بود که در پی حملاتی که توسط جنگنده‌های آمریکایی و سعودی علیه قرارگاه‌های رسمی حشد شعبی در شماری از ولایت‌های عراق انجام شد، دست‌کم ۲۰ تن از اعضای حشد کشته و ۳۲ تن دیگر زخمی شدند.» (الشرق الأوسط، ۴ اگست ۲۰۲۶)

هم‌چنان «ایالات متحده و عربستان سعودی حمله مشترکی را علیه مواضعی انجام دادند که آن‌ها را متعلق به شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران در عراق خواندند.» (الحره، ۳۱ جولای ۲۰۲۶ م) این حملات پس از آن صورت گرفت که علی فالح الزیدی، نخست‌وزیر عراق از یک سفر رسمی به آمریکا بازگشته بود!

پس پشت پرده تمام این تحولات در این مقطع زمانی چیست؟ آیا سلطه آمریکا بر عراق نسبت به گذشته بیشتر شده است؟

جواب:

برای روشن شدن تصویر در مورد این پرسش‌ها، موارد زیر را بررسی می‌کنیم:

۱. سلطه آمریکا بر عراق و پایان نفوذ عمده بریتانیا در منطقه با اشغال عراق صدام حسین توسط آمریکا، واشنگتن ضربه‌ای نهایی بر نظام عراق یعنی نظام بعث و بر قدرتی که در پشت آن قرار داشت یعنی نفوذ بریتانیا در سراسر منطقه وارد کرد. با این حال، نفوذ بریتانیا هم‌چنان از «ریه سعودی» نفس می‌کشد.

سعود الفیصل، وزیر خارجه پیشین عربستان سعودی به صراحت از سیاست آمریکا در عراق انتقاد می‌کرد و گفته بود مناطقی را که آمریکا در عراق اشغال می‌کند به ایران تحویل می‌دهد. اما با مرگ ملک عبدالله اجیر بریتانیا در سال ۲۰۱۵ م و به قدرت رسیدن سلمان و پسرش محمد که از اجیران آمریکا در عربستان سعودی بودند، آمریکا عملاً ضربه نهایی را بر نفوذ بریتانیا در منطقه وارد کرد.

پس از آن، برای بریتانیا جز دولت‌های کوچک خلیج و اردن چیزی باقی نماند؛ دولت‌هایی کوچک که نه توان مقابله با نفوذ آمریکا را دارند و نه حتی قادرند اختلال قابل توجهی در آن ایجاد کنند، بدین‌گونه آمریکا به قدرتی تبدیل شد که نفوذ واقعی و مسلط در منطقه را در اختیار دارد.

۲. استفاده آمریکا از تقسیم‌بندی مذهبی و گسترش نقش ایران، سیاست آمریکا در جنگ علیه اسلام، تحت عنوان مبارزه با «تروریسم» ایجاب می‌کرد که منطقه اسلامی بر بنیاد خطوط مذهبی و فرقه‌ای تقسیم شود. در هماهنگی با این سیاست، ایران به یک مرکز فرقه‌ای در برابر مرکز فرقه‌ای دیگر یعنی عربستان سعودی تبدیل شد. یکی دیگر از الزامات این سیاست، گسترش نقش ایران در منطقه بود. این نقش شامل نفوذ ایران در عراق و ایجاد «نفوذ» در عراق در زیر سایه اشغال آمریکا می‌شد. هم‌چنان ایران از طریق گروه‌های فرقه‌ای در یمن و لبنان نفوذ یافت و این نفوذ با ماهیت فرقه‌ای خود به سوریه و مناطق دیگر نیز گسترش پیدا کرد. در تمام این مدت، آمریکا به‌شدت به ایفای چنین نقشی از سوی ایران نیاز داشت.

۳. پایان مأموریت منطقه‌ای ایران و آغاز سیاست کاهش نفوذ آن با پایان یافتن نیاز آمریکا به ایران در سوریه، نقشی که سیاست آمریکا برای ایران ترسیم کرده بود نیز به پایان رسید و از تهران خواسته شد عقب‌نشینی کند. ایران نیز عملاً عقب‌نشینی از سوریه را آغاز کرد و نیروهای خود را به سرعت از سوریه بیرون کشید. هم‌چنان با وجود ترور فرماندهان حزب وابسته به خود در لبنان، در جنگ علیه رژیم پهلوی وارد نشد، اما ایران در مورد برنامه هسته‌ای خود حاضر به عقب‌نشینی نشد.

از همین رو، جنگ رژیم پهلوی علیه ایران در سال ۲۰۲۵ م رخ داد؛ جنگی که ایران پس از آن با حسرت دریافت که چرا «در روزی که گاو سفید خورده شد» نجنگید؛ یعنی چرا از همان آغاز حوادث هفتم اکتوبر ۲۰۲۳ م وارد جنگ نشد و تنها به نقش حزب وابسته به خود در لبنان بسنده کرد.

بنابراین، جنگ سال ۲۰۲۵ م و دوره‌های دیگری که پس از آن، به رهبری آمریکا و با همراهی نزدیک رژیم پهلوی صورت گرفت بخشی از سیاستی بود که هدف آن تصفیه نقش منطقه‌ای ایران بود. در این میان، گروه‌های عراقی وفادار به تهران نیز در کنار ایران وارد درگیری شدند و با شلیک راکت‌ها و پهپادها، اهداف آمریکایی را در عراق یا برخی مناطق خلیج هدف قرار دادند. در این مرحله، آمریکا بر تصفیه نقش ایران در عراق نیز اصرار ورزید؛ اقدامی که در چارچوب سیاست جدید دولت ترامپ برای پایین آوردن جایگاه ایران به سطح یک دولت تابع و کاهش نقش منطقه‌ای آن، در حد امکان صورت می‌گیرد.

بر این اساس، محرک اصلی تحولات سیاسی امروز عراق، سیاست دولت ترامپ برای تصفیه نفوذ ایران در این در عراق است.

۴. تلاش آمریکا برای تغییر جهت‌گیری عراق از یک دولت فرقه‌ای به یک دولت عربی؛ آمریکا که در سال ۲۰۰۳ م عراق را اشغال کرد و نظام سیاسی آن را بر مبنای ساختاری فرقه‌ای بنا نمود و زمینه نفوذ گسترده ایران را در آن فراهم ساخت، امروز در پی پایان دادن به همین وضعیت است.

واشنگتن می‌خواهد حکومت‌های عراق جهت‌گیری خود را از نو تنظیم کنند و عراق را به عنوان یک (دولت عربی) نه یک (دولت فرقه‌ای) تعریف نمایند. معنای این سیاست، قطع پیوندهای عراق با ایران و عادی‌سازی دوباره روابط بغداد با دولت‌های خلیج و سایر دولت‌های عربی است.

تمام این اقدامات در چارچوب مبارزه با نفوذ ایران در عراق و یا تصفیه حضور آن انجام می‌شود. آمریکا هم‌چنان تحریم‌هایی را در رابطه با گاز ایران که به عراق صادر می‌شود، اعمال کرده و بغداد را به یافتن بدیل‌هایی غیر از ایران برای تأمین گاز فراخوانده است.

از آن جا که یکی از بدیل‌های عراق، گاز ترکمنستان است که باید از خاک ایران عبور کند، آمریکا با آن نیز مخالفت کرده است. واشنگتن هم‌چنان با واردات برق عراق از ایران مخالفت کرده است: «ایالات متحده معافیت تحریمی‌ای را که به عراق اجازه می‌داد از ایران همسایه برق خریداری کند، پایان داد؛ اقدامی که در راستای سیاست دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، مبنی بر اعمال "فشار حداکثری" بر تهران صورت گرفت.» (الجزیره نت ۹ مارچ ۲۰۲۵)

پیش از آن نیز آمریکا هر نهاد عراقی را که با ایران معاملات دالری انجام می‌داد، مشمول تحریم قرار می‌داد: «روزنامه وال استریت ژورنال امروز چهارشنبه به نقل از مقام‌های آمریکایی گزارش داد که ایالات متحده ۱۴ بانک عراقی را از انجام معاملات با دالر منع کرده است. در گزارش این روزنامه آمده است که این ممنوعیت که از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا و بانک فدرال رزرو نیویارک اعمال شده، بخشی از یک کارزار گسترده برای جلوگیری از انتقال دالر آمریکایی به ایران است.» (القدس العربی، ۱۹ جولای ۲۰۲۳ م)

۵. فشار آمریکا بر حکومت عراق برای محدود کردن گروه‌های وفادار به ایران. از سوی دیگر، آمریکا از حکومت عراق می‌خواهد بر گروه‌های وفادار به ایران فشار وارد کند و آن‌ها را از حکومت کنار بگذارد:

«منابعی فاش کردند که آمریکا سیاستمداران بلندپایه عراقی را تهدید کرده است که در صورت مشارکت گروه‌های مسلح مورد حمایت ایران در حکومت آینده عراق، ممکن است تحریم‌هایی اعمال شود که حتی خود دولت عراق را نیز دربر گیرد؛ از جمله احتمال هدف قرار گرفتن مهم‌ترین شریان مالی عراق یعنی درآمد‌های نفتی که از طریق بانک فدرال رزرو نیویارک سپرده‌گذاری می‌شود. به گفته چهار منبعی که با ریتز گفت‌وگو کرده‌اند، این هشدار تا اکنون یکی از شدیدترین نمونه‌های کارزار ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا برای کاهش نفوذ گروه‌های مرتبط با ایران در داخل عراق به شمار می‌رود.» (اسکای نیوز عربی، ۲۳ جنوری ۲۰۲۶ م)

در موضعی که بیانگر تبعیت حکومت عراق از دستورهای امریکاست، حکومت اعلام کرد که در جنگ جاری علیه ایران بی‌طرف خواهد ماند، این «بی‌طرفی» در عمل به این معنا است که عراق در کنار ایران قرار نمی‌گیرد؛ در حالی که ارتش امریکا از خاک عراق برای حمله به ایران و نیز هدف قراردادن گروه‌های عراقی وفادار به ایران استفاده می‌کند. هم‌چنان رژیم یهود نیز به ایجاد پایگاه‌های نظامی در عراق سوق داده شده است؛ پایگاه‌هایی که برخی رسانه‌ها از وجود آن‌ها پرده برداشته‌اند:

«پس از گزارش‌های پیشین درباره وجود یک پایگاه اسرائیلی در خاک عراق، گزارشی از روزنامه نیویارک تایمز فاش کرد که اسرائیل دومین پایگاه نظامی مخفی خود را در صحرای غرب عراق ایجاد کرده است.» (دویچه‌وله آلمان، ۱۸ می ۲۰۲۶ م)

۶. مداخله آشکار امریکا در تعیین نخست‌وزیر عراق. سپس امریکا به صورت آشکار در تعیین این‌که چه کسی ریاست حکومت عراق را بر عهده بگیرد، مداخله کرد. با آن‌که نوری المالکی یک احیر وفادار امریکا بود و در دوران اشغال، عراق را با قبضه سخت امریکایی اداره کرد، اما دولت ترامپ آشکارا با انتخاب دوباره او به عنوان نخست‌وزیر عراق مخالفت کرد. ترامپ گفت: «در دوره پیشین المالکی، کشور به سوی فقر و هرج‌ومرج گسترده لغزید. این وضعیت نباید به دلیل سیاست‌ها و ایدئولوژی‌های دیوانه‌وار او تکرار شود. اگر او انتخاب شود، ایالات متحده هیچ کمکی به عراق نخواهد کرد.» (اسکای نیوز عربی، ۲۹ جنوری ۲۰۲۶ م) در حالی که «المالکی از سوی بزرگ‌ترین ائتلاف سیاسی در پارلمان عراق برای تصدی ریاست حکومت نامزد شده بود.» (العربیه، ۱۴ فبروری ۲۰۲۶ م)

با وجود اعتراض المالکی و شماری از عراقی‌ها، او نتوانست در برابر اصرار ترامپ ایستادگی کند: «در واکنش به تهدیدهای دونالد ترامپ رئیس‌جمهور امریکا، نوری المالکی، نخست‌وزیر پیشین عراق روز چهارشنبه اعلام کرد که "مداخله آشکار امریکا در امور داخلی عراق" را رد می‌کند و آن را "نقض حاکمیت" کشورش دانست... در اعتراض به اظهارات ترامپ، صدها تن در بغداد در نزدیکی منطقه سبز که سفارت امریکا در آن قرار دارد، تظاهرات کردند.» (فرانس ۲۴، ۲۸ جنوری ۲۰۲۶ م)

به این ترتیب، اظهارات ترامپ به گونه‌ای کاملاً آشکار ماهیت برخورد امریکا با دولت‌های وابسته و مزدور خود را نشان داد. در عمل نیز المالکی کنار گذاشته شد و در ۲۷ اپریل ۲۰۲۶ م شخصیتی که مورد پذیرش امریکا بود، یعنی علی الزیدی مأمور تشکیل حکومت گردید. این رویداد نشان می‌دهد که آنچه «نفوذ ایران» در عراق خوانده می‌شود، تا چه اندازه شکننده است؛ بلکه اساساً به سطح یک نفوذ مستقل و واقعی نمی‌رسد. آنچه وجود داشت، این بود که امریکا برای اجرای سیاست‌های خود، میدان را برای ایران باز کرده و تسهیلات لازم را در عراق در اختیار آن قرار داده بود.

۷. آغاز روند خلع سلاح گروه‌های مسلح. هنگامی که امریکا تصمیم گرفت به این نقش پایان دهد، از حکومت عراق خواست این گروه‌ها را خلع سلاح کند و برای تکمیل این روند نیز ضرب‌الاجل تعیین نماید؛ درست همان‌گونه که در لبنان، حکومت این کشور را برای برخورد با حزب وابسته به ایران تحت فشار قرار می‌دهد.

«در همین راستا، دو گروه عراقی با خلع سلاح موافقت کردند: در اوایل ماه جون، جنگجویان "سرایا السلام" از گروه‌های مسلح وفادار به مقتدی صدر روحانی شیعه عراق، در شهر سامرا گردهم آمدند تا سلاح‌های خود را به حکومت عراق تحویل دهند. این روند خلع سلاح در واقع به معنای خروج این گروه از نیروهای "حشد شعبی" بود؛ ائتلافی نیرومند که عمدتاً از گروه‌های مسلح شیعه تشکیل شده و هم‌زمان در داخل و بیرون از ساختار دولت عراق فعالیت می‌کند. هزاران جنگجوی وابسته به "سرایا السلام" نخستین کسانی بودند که از این ائتلاف خارج شدند، اما آخرین آن‌ها نبودند؛ زیرا "عصائب اهل الحق" یکی از گروه‌های مسلح قدرتمند نیز اعلام کرد که از "حشد شعبی" خارج خواهد شد... با این حال، چندین گروه برجسته مورد حمایت ایران هم‌چنان به شدت به خدمت منافع تهران در عراق و منطقه گسترده‌تر پایبند مانده‌اند، اما شکاف در "حشد شعبی" ضربه‌ای واقعی به ایران به شمار می‌رود.» (ایندیپندنت عربی، ۱۲ جولای ۲۰۲۶)

دولت عراق هم‌چنین برای تحویل سلاح، ضرب‌الاجل نهایی تعیین کرد: «علی الزیدی، نخست‌وزیر عراق روز سه‌شنبه گفت که کشورش پس از پایان ماه سپتامبر آینده به هیچ طرفی اجازه نخواهد داد خارج از چارچوب دولت سلاح حمل کند.» الزیدی در دیدار با ترامپ رئیس‌جمهور امریکا، در کاخ سفید تأکید کرد که رویکرد حکومت او بر انحصار سلاح در دست نهادهای رسمی استوار است. (اسکای نیوز عربی، ۱۴ جولای ۲۰۲۶ م)

بر این اساس، تحولات سیاسی امروز عراق با سیاست آمریکا برای پایان دادن به نقش پیشین ایران در عراق و برجیدن نفوذ آن در این سرزمین پیوند دارد. به نظر می‌رسد موفقیت آمریکا در این زمینه قابل توجه بوده است؛ نه تنها از رهگذر فشار نظامی و سیاسی بر عراق، بلکه حتی در عرصه مالی نیز چنین است. درآمدهای نفتی عراق به حسابی در خزانه داری آمریکا انتقال داده می‌شود؛ به گونه‌ای که نظام حاکم در عراق حتی نمی‌تواند بدون اجازه خزانه داری آمریکا معاش کارمندان خود را پرداخت کند!

۸. موضوع دیگری که باقی می‌ماند، کارزار افشای فساد و فاسدان در عراق است، این کارزار نمی‌تواند چیزی جز اقدامی در جهت هدف قرار دادن افراد مرتبط با ایران در عراق و تهدید آنان از این طریق باشد؛ هرچند ممکن است دامنه آن به افراد دیگری نیز برسد؛ زیرا نظام عراقی که آمریکا آن را به عنوان الگویی از «دموکراسی» در منطقه بنا کرد، از سر تا پا در فساد فرو رفته و یکی از فاسدترین نظام‌ها به شمار می‌رود.

«حکومت عراق در تازه‌ترین اظهارات خود می‌گوید که تا اکنون ۲۱ مقام متهم به دست داشتن در پرونده‌های فساد مالی و اداری را بازداشت کرده است، در حالی که شماری دیگر از افراد تحت تعقیب هنوز متواری‌اند... علی الزیدی، نخست‌وزیر عراق، نیز در نشست شورای وزیران تأکید کرد که حکومت به مبارزه با فساد و بازگرداندن اموال عمومی ادامه خواهد داد... عبدالرحمن المشهدانی کارشناس اقتصادی، در گفت‌وگو با الجزیره نت هزینه اقتصادی فساد مالی و سیاسی در عراق را بیش از یک تریلیون دالر برآورد کرده و گفته است که بخش بزرگی از اموال غارت شده در اقتصادهای خارجی ادغام شده است.» (الجزیره نت، ۳ جولای ۲۰۲۶م)

۹. به این ترتیب، پس از آن که رئیس‌جمهور عراق علی الزیدی را به نخست‌وزیری گماشت، فهرست خواسته‌های آمریکا، به گزارش شبکه الشرق در ۱۰ می ۲۰۲۶م شامل اتخاذ اقدامات عملی برای دوساختن نفوذ ایران از حکومت عراق و خلع سلاح گروه‌های مسلح بود و الزیدی نیز عملاً اجرای خواسته‌های آمریکا را آغاز کرد:

«برکناری‌ها و تغییرات گسترده‌ای که علی الزیدی، نخست‌وزیر عراق، پس از دیدارش با تام باراک، فرستاده آمریکا و پیش از سفر مورد انتظارش به واشنگتن در نهادهای حساس امنیتی و اقتصادی انجام داد، بحث‌هایی را برانگیخت مبنی بر این که آیا این «اقدامات» گامی برای تحکیم دوباره اقتدار دولت است یا پاسخی به فشارهایی که نفوذ گروه‌های نزدیک به ایران را هدف گرفته است.» (الجزیره نت، ۱۹ جون ۲۰۲۶م)

پس از آن، تحولات سیاسی در عراق با سرعت بیشتری ادامه یافت: «بغداد، پایتخت عراق شاهد یک عملیات امنیتی بی‌سابقه در "منطقه سبز" بود؛ نیروهای ویژه عراق به دستور علی الزیدی، نخست‌وزیر ۴۷ مقام از جمله ۱۲ نماینده فعلی پارلمان را به اتهام فساد بازداشت کردند. در این کارزار، علی معارج معاون وزارت نفت که تحت تحریم‌های آمریکا قرار دارد، نیز از سمت خود برکنار شد.» (بی‌بی‌سی، ۳۰ جون ۲۰۲۶م)

۱۰. از این جا روشن می‌شود که نفوذ سیاسی موجود در عراق، نفوذی کاملاً آمریکایی است. آمریکا نامزدی نوری المالکی از سوی «چارچوب هماهنگی» که به طرفداری از ایران توصیف می‌شود را نپذیرفت و این جریان را واداشت تا علی الزیدی را نامزد کند؛ «چارچوب هماهنگی» نیز چنین کرد. سپس از الزیدی خواسته شد که این گروه‌ها را کنار بزند و سلاح‌شان را جمع‌آوری کند، در حالی که تنها چند روز از انتصاب او از سوی همین جریان گذشته بود، او نیز عملاً اجرای این خواسته‌ها را آغاز کرد و پس از آن، کارزار مبارزه با فساد را به راه انداخت.

بر این اساس، کارزار مبارزه با فساد در واقع شمشیری است که بر سر هواداران ایران در عراق آویخته شده است؛ هرچند ممکن است شماری دیگر از مقام‌ها را نیز دربر بگیرد؛ زیرا به دشواری می‌توان مقامی را در عراق یافت که کاملاً از فساد به دور باشد.

چنین به نظر می‌رسد که حکومت الزیدی و در پشت سر آن آمریکا، به گروه‌های مسلح، جریان‌های طرفدار ایران و مقام‌های مرتبط با آنان هشدار می‌دهند که باید فرمان‌های دولت را هرچه زودتر اجرا کنند؛ و اگر در این زمینه تعلل ورزند، پرونده‌های فساد در انتظارشان خواهد بود؛ پرونده‌هایی که بسیار سنگین‌اند. بدون در نظر گرفتن این پیوند، دشوار است بتوان کارزار مبارزه با فساد را در درون یک نظام سیاسی که آمریکا آن را بنا کرده و فساد در تمام ارکان آن ریشه دوانده است، به درستی فهمید.

۱۲. اما در مورد این تصور برخی که عراق می‌کوشد میان نفوذ آمریکا و نفوذ ایران توازن برقرار کند و برای اثبات آن به این موضوع استناد می‌کنند که علی الزیدی در تاریخ ۱۳ جولای ۲۰۲۶م از کاخ سفید دیدار کرد و ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با گرمی از او استقبال نمود و سپس بعد از بازگشت از واشنگتن در ۲۳ جولای ۲۰۲۶م به تهران رفت و نیز به این گزارش استناد می‌کنند:

«بر اساس گزارشی که وبسایت اکسیوس منتشر کرده است، الزیدی با وجود تلاش‌های ایران برای لغو سفر رسمی‌اش به ایالات متحده، بر انجام این سفر اصرار ورزید و سپس در کاخ سفید با ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا دیدار کرد، گزارش می‌افزاید که نخست‌وزیر عراق چند روز پیش از آن در مراسم تشییع علی خامنه‌ای، رهبر ایران شرکت کرده بود و سپس راهی واشنگتن شد؛ صحنه‌ای که نشان‌دهنده ماهیت توازنی است که بغداد می‌کوشد در روابط خود با تهران و واشنگتن حفظ کند.» (العربیه، جولای ۲۰۲۶ م)

اما چنین برداشتی از «موازنه» با واقعیت فاصله زیادی دارد، روشن‌ترین دلیل بر واقعیت نفوذ آمریکا در عراق، حضور نظامی آمریکا در این سرزمین از سال ۲۰۰۳ م تاکنون است، بسیاری از مقام‌ها بارها از خروج نیروهای آمریکایی سخن گفته‌اند، اما پس از آن روشن شده که این نیروها هم‌چنان حضور دارند و حتی قادرند گروه‌های عراقی را هدف قرار دهند.

در جریان جنگ با ایران نیز این گروه‌ها با بالگرد هدف قرار می‌گرفتند؛ امری که نشان می‌دهد میدان‌های هوایی که این بالگردها از آن‌جا به پرواز درمی‌آیند، در فاصله نزدیکی قرار دارند، هم‌چنین آمریکا زمینه ایجاد پایگاه‌های نظامی موقت برای رژیم یهود در عراق را فراهم کرده است تا حملات خود علیه ایران را از آن‌جا انجام دهد. افزون بر این، دولت‌های مختلف جهان که نفت عراق را خریداری می‌کنند، بهای آن را به حساب ویژه‌ای در خزانه‌داری آمریکا واریز می‌کنند؛ سپس آمریکا متناسب با میزان همراهی حکومت عراق با سیاست‌هایش، پول در اختیار آن قرار می‌دهد.

امروز نیز آمریکا از حکومت عراق می‌خواهد با سرعت بیشتری به خواسته‌هایش پاسخ دهد؛ نفوذ ایران را از حکومت کنار بزند و مقام‌هایی را که با ایران ارتباط دارند، از صحنه خارج کند؛ حتی اگر این افراد، مانند نوری المالکی، خود از عوامل کاملاً وابسته به آمریکا باشند، هم‌چنین آمریکا «چارچوب هماهنگی» را. که به هواداری از ایران توصیف می‌شود. وادار کرد علی الزیدی را نامزد نخست‌وزیری کند، اما تنها چند روز بعد، الزیدی را به رویارویی با همین گروه‌ها و جناح‌های وابسته به چارچوب هماهنگی سوق داد.

آنچه آمریکا امروز با شتاب از حکومت الزیدی می‌خواهد، خلع سلاح گروه‌های مسلحی است که با سپاه پاسداران ایران ارتباط دارند و برخی عملیات‌ها را علیه آمریکا انجام می‌دهند. حکومت عراق برای این گروه‌ها تا تاریخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۶ م مهلت تعیین کرده است تا سلاح‌های خود را تحویل دهند؛ به این معنا که حکومت عراق قرار است نهادهای امنیتی خود را بر اساس دستورهای صادرشده از واشنگتن، برای سرکوب عراقی‌ها به کار گیرد!

ترامپ نیز آشکارا به نفوذ و غارت آمریکا در عراق می‌بالد و می‌گوید حکومت عراق به‌گونه‌ای عمل می‌کند که دیگر نیازی نیست نیروهای آمریکایی مستقیماً برای حفظ نفوذ کشورش وارد عمل شوند، او در دیدار با الزیدی در دفترش در کاخ سفید گفت: «ما عراق را ترک خواهیم کرد، زیرا دیگر فکر نمی‌کنیم به حضور نظامی در آن‌جا نیاز داشته باشیم.» وی افزود: «آنچه اکنون داریم این است که شرکت‌های نفتی همگی به سوی عراق می‌روند و با این کشور شراکت برقرار می‌کنند.» (ایندیپندنت عربی، ۱۵ جولای ۲۰۲۶ م)

به این ترتیب، آمریکا مزدوران خود را برای تحقق منافعش به کار می‌گیرد!

۱۳. در پایان بسیار دردناک است که عراق، سرزمینی که روزگاری مرکز خلافت بود و خلیفه آن قیصر روم را چنین خطاب می‌کرد: «پاسخ، همان چیزی است که خواهی دید، نه آنچه خواهی شنید»؛ و سپس لشکرهای مسلمانان به حرکت درمی‌آمدند و درسی به او می‌آموختند که وی را به سر عقل می‌آورد؛ امروز امور همین سرزمین را آمریکا اداره می‌کند.

این سلطه تنها به عرصه سیاسی محدود نمی‌شود؛ بلکه اموال عراق نیز در اختیار و کنترل آمریکا قرار دارد، تا جایی که نظام حاکم بر عراق حتی نمی‌تواند معاش کارمندان خود را پردازد، مگر آن‌که آمریکا اجازه دهد بخشی از پول خود عراق در اختیارش قرار گیرد! به‌راستی که این حالت یکی از مصیبت‌های بزرگ و جنایتی عظیم است. الله سبحانه و تعالی درباره چنین نظام‌هایی راست فرموده است:

﴿سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ﴾ [انعام: 124]

ترجمه: بزودی کسانی که مرتکب گناه شدند، (و مردم را از راه حق منحرف ساختند)، در مقابل مکر (و فریب و نیرنگی) که می‌کردند، گرفتار حقارت در پیشگاه الله سبحانه و تعالی و عذاب شدید خواهند شد.

امت از این ذلت و خواری رهایی نخواهد یافت، مگر آن که خلافت راشده خود را دوباره برپا کند؛ با نصرت دادن به حزب التحریر، آن پیشگامی که اهلش دروغ نمی‌گویند، در آن هنگام وعده الله تحقق خواهد یافت:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...﴾ [نور: 55]

ترجمه: الله (سبحانه و تعالی) به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد.

سپس بشارت رسول الله صلی الله علیه وسلم، پس از این حاکمیت جبری که اکنون در آن زندگی می‌کنیم، تحقق خواهد یافت: «... حذیفه (رضی الله عنه) گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«.. تُمْ تَكُونُ مُلْكًا جَبْرِيَّةً فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ تُمْ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا تُمْ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَى مِنْهَاجِ النَّبُوَّةِ تُمْ سَكَتَ»

ترجمه: سپس پادشاهی جبری خواهد بود و تا زمانی که الله (سبحانه و تعالی) بخواهد ادامه خواهد داشت؛ سپس هرگاه بخواهد آن را برمی‌دارد؛ پس از آن، خلافتی بر منهج نبوت خواهد بود. سپس سکوت فرمود.

و پس از آن، نصرت الله (سبحانه و تعالی) تحقق خواهد یافت:

﴿وَيَوْمَئِذٍ يَقَرُّ الْمُؤْمِنُونَ (۴) بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [روم: 4-5]

ترجمه: در آن روز، مؤمنان (بخاطر پیروزی دیگری) خوشحال خواهند شد به سبب یاری الله (سبحانه و تعالی)؛ و او هر کس را بخواهد یاری می‌دهد؛ و او صاحب قدرت و رحیم است!

22 صفر ۱۴۴۸ ه.ق.

۱۵ اگست ۲۰۲۶ م.

مترجم: مصطفی اسلام